



صبر در خانه، مانع سقوط خانواده

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: عمل به دستورات قرآن کریم، صبر و استقامت می‌خواهد، اما این صبر و شکیبایی در خانواده، نتیجه بسیار شیرینی دارد...

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: عمل به دستورات قرآن کریم، صبر و استقامت می‌خواهد، اما این صبر و شکیبایی در خانواده، نتیجه بسیار شیرینی دارد و منجر به گرمی و ازدیاد محبت در خانواده و سلامت اخلاقی و روانی اعضای خانواده خواهد شد. به گزارش خبرگزاری مهر، در ادامه مبحث موانع سقوط انسان، از صبر و استقامت، به عنوان یکی از موانع مهم سقوط و انحراف انسان یاد شد. در این رابطه به شرح سه قسم از صبر فردی، یعنی صبر در عبادت و صبر در معصیت و صبر در مصیبت پرداختیم. در این جلسه به تشریح صبر خانوادگی و نقش آن در ممانعت از سقوط و گمراهی انسان می‌پردازیم.

قبل از ورود به این بحث، لازم است بدانیم موضوع «#171؛ اخلاق در خانه» یکی از موضوعات کلیدی اخلاق است که اهمیت به آن، علاوه بر سلامت خانواده، منجر به سلامت اخلاقی اجتماع خواهد شد. اما با توجه به اینکه این موضوع اساسی در جلسات درس اخلاق قم و اصفهان در سال‌های گذشته به طور مفصل تبیین شد و بحمدالله حاصل آن سلسله دروس نیز در چند جلد کتاب، در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت، اکنون پس از ذکر چند مقدمه مختصر به ذکر خصوصیات و آثار «#171؛ صبر در خانواده» می‌پردازیم و از تشریح جزئیات موضوع «#171؛ اخلاق در خانواده» صرف‌نظر می‌کنیم.

اداره خانه به مثابه اداره یک کشور

برای ورود به مبحث خانواده، اگر خانه را به یک کشور تشبیه کنیم، اشتباه نکرده‌ایم؛ زیرا اداره خانه، در مقیاسی کوچک‌تر، شبیه به اداره یک کشور است و از جهاتی اداره یک خانه کوچک، ظریف‌تر و دقیق‌تر از اداره یک کشور پهناور خواهد بود.

در واقع همان‌طور که هر مملکتی برای اداره، نیاز به یک حاکم یا رئیس دارد، خانه هم رئیس می‌خواهد. قرآن کریم، مرد را رئیس و قوام خانواده می‌داند و می‌فرماید: «#171؛ الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا» [1]

یعنی ریاست خانه بر عهده مرد است و تأمین حوائج و نیازهای زندگی هم وظیفه اوست. از سوی دیگر، خانه با ریاست تنها اداره نمی‌شود و نظیر مملکت که نیاز به اداره داخلی دارد، خانه هم مدیر و مدبر می‌خواهد و مدیریت داخلی خانه بر عهده زن است.

به عبارت رساتر، خانه با ترکیب عقلانیت مرد و عواطف زن اداره می‌شود؛ زیرا قوه تعقل و خردورزی مردان بر احساسات و عواطف آنان غلبه دارد و عواطف زنان نیز بر تعقل آنان غالب است و خانه با تعقل تنها یا عاطفه تنها اداره نخواهد شد. یعنی همان‌طور که زنان معمولاً قادر به ریاست کلی خانه نیستند، مردان هم نمی‌توانند محیط داخلی خانه را مدیریت و اداره کنند و از این جهت زنان بر مردان برتری دارند.

فرزندان هر خانه نیز نظیر مردم هر اجتماع، باید فرمان‌بر و فرمان‌بردار پدر و مادر باشند و به قوانین خانه احترام بگذارند تا آن خانه و آن زندگی سالم و نمونه شود. به بیان دیگر، پدر، مادر و فرزندان یک خانواده سه رکن اساسی خانه هستند و فقدان هر کدام، موجب اختلال در نظام خانواده خواهد بود. مثلاً فقدان پدر موجب می‌شود که مادر و فرزندان فاقد تکیه‌گاه لازم برای زندگی و بی‌پناه باشند. فقدان مادر نیز منجر به کمبود عاطفه، مهربانی و احساسات در خانه می‌شود که حاصل آن سوء تدبیر و سوء مدیریت در خانه است. فقدان فرزند در خانه نیز، آن خانه را به خانه‌ای خشک و ناقص مبدل می‌سازد.

در اینجا جا دارد به یادآوری یک دستور اخلاقی و سازنده اسلام عزیز بپردازیم که می‌فرماید: هنگام فوت پدر یا مادر در یک خانواده، همه اقوام و آشنایان وظیفه دارند جای خالی او را پر کنند؛ مردان باید نگذارند گرد یتیمی بر چهره فرزندان آن خانواده بنشیند و همان‌طور که به فکر فرزندان خود هستند، به فکر آن‌ها باشند. زنان نیز، خود را مادر فرزندان یتیم و آن‌ها را فرزندان خود بدانند و نگذارند طعم تلخ بی‌مادری را بچشند.

اهمیت این موضوع به قدری است که قرآن کریم، رها کننده یتیم را در کنار تکذیب‌کننده دین قرار می‌دهد و هر دو را نکوهش می‌کند:

«#171؛ رَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ، فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ» [2] یعنی کسی که به ایتمام و نیازمندان رسیدگی نکند، مسلمان نیست.

آنچه بیان شد، تقسیم وظایف قانونی در نظام خانواده بود. اما باید دانست که همان‌طور که در اداره یک کشور، قانون تنها کافی نیست و حضور، پشتیبانی و علاقه‌مندی مردم به عنوان اعضای کشور، رکن مهمی برای پیشرفت و موفقیت کشور محسوب می‌شود، خانه نیز علاوه بر قانون، سرسختانه محتاج مهر و محبت است و هیچ کس بدون محبت، قادر به اداره مناسب و مطلوب زندگی نیست.

اساساً اجبار و اکراه و زورگویی در هیچ کاری نتیجه نمی‌دهد و اگر هم مثلاً اعضای یک کشور یا اعضای یک خانواده، از سر ترس یا در اثر تهدید یا برای کسب منافع، تسلیم قانون محض و بدون عاطفه و محبت شوند، تسلیم آنان موقتی است و حتماً روزی نتیجه عکس می‌دهد. قرآن کریم بر مبنای همین حقیقت مهم، حتی دین‌داری اجباری و همراه با زور و اکراه را بی‌فایده دانسته و می‌فرماید: **#171& لا إكراه في الدين قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ [3]**

منظور قرآن کریم از بیان این آیه شریفه این نیست که هرکس در انتخاب دین خود مختار است؛ زیرا دین مورد نظر خداوند برای دوران آخرالزمان، طبق ادله عقلی و نقلی فراوان و آیات دیگر قرآن کریم، دین اسلام است. بنابراین قرآن کریم در این آیه، به یک حقیقت مهم اشاره می‌فرماید و آن اینکه: با اجبار و با زور و قلدری کسی مسلمان نمی‌شود و اگر هم بشود، دین او فایده ندارد. یعنی طبق آنچه در ادامه آیه آمده است، راه گسترش اسلام، تبلیغ و شناساندن حقیقت اسلام به بشریت است تا آنها خود و با میل و علاقه قلبی و باطنی به اسلام گرایش پیدا کنند. در واقع، اسلام عزیز برای دین‌داری آدمیان نیز محبت را عنصر و عامل اصلی و اساسی قلمداد می‌کند.

وقتی محبت و علاقه قلبی، در مهم‌ترین موضوع زندگی بشر که همان انتخاب دین است، چنین جایگاه برجسته‌ای دارد، معلوم است که اداره مطلوب یک کشور یا اداره مناسب زندگی بدون محبت و بدون علاقه قلبی اعضای آن کشور یا خانواده، غیر ممکن است.

بنا بر تصریح قرآن کریم، مهر و محبت و به تعبیری، مودت و رحمت، لازمه زندگی است:

#171& وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً [4]

بر این اساس، زندگی با نشاط و توأم با آرامش و آسایش، در پرتو محبت، رأفت و مهربانی اعضای خانواده و به خصوص زن و شوهر نسبت به همدیگر پدید می‌آید.

کمبود محبت در خانه، چه بین زن و شوهر و چه بین آن‌ها و فرزندان، منجر به فروپاشی نظام خانواده می‌شود و خانواده بی‌محبت و عاری از رأفت و مهربانی، افراد ناسالم و پرخاشگر و افرادی که دچار بیماری روحی و روانی هستند تحویل جامعه می‌دهد که قادر به پیشرفت و تعالی روحی و معنوی و حتی پیشرفت مادی نخواهند بود.

تأثیر قانون، محتاج رأفت و مهربانی است

قرآن کریم با بیان نحوه موعظه لقمان حکیم به فرزندش، به بندگان می‌آموزد که هیچ کس با اجبار، اکراه، تهدید و ارباب، تابع قانون نمی‌شود و تأثیر و نفوذ توصیه و نصیحت چه در خانه و چه در اجتماع، نیازمند عطف و مهربانی است:

#171& وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ [5]

هنگامی که لقمان حکیم قصد توصیه فرزند خود به پرهیز از شرک را داشت، با پرخاش و تند و قلدری، او را نصیحت نکرد؛ بلکه با جملاتی نظیر فرزندم، عزیزم و جانم، محبت او را به خود جلب کرد و پس از آن، توصیه خود را با اقامه دلیل و با استدلال بیان کرد و به او گفت: **#171& فرزندم! مشرک نباش؛ زیرا شرک ظلم بزرگی است.**

بنابراین، اگر محبت در خانه و بین افراد خانواده، حکم‌فرما باشد، خانه و خانواده، سالم و رو به پیشرفت مادی و معنوی هستند، وگرنه افراد آن خانه عقده‌ای و مضر برای خود و اجتماع خواهند شد. این موضوع، علاوه بر تصریح قرآن کریم، به تجربه و در عرف اجتماع نیز اثبات شده است؛ یعنی خانواده پرخاش‌گر، تندخو و عاری از مهر و محبت، معمولاً فرزندان ناراحت و زورگو و خودرأی دارند و نه تنها نشاط و شادمانی در چنین خانه‌ای راه ندارد، بلکه تاریکی و ظلمت در آن خانه حکم‌فرماست و افراد آن مبتلا به مرگ تدریجی هستند.

بنابراین ریاست مرد و مدیریت زن در خانه، مرهون مهر و محبت حاکم بین آنهاست و تربیت فرزندان صالح و شایسته نیز وابسته به همان مهر و محبت و عطف و مهربانی خواهد بود.

تقسیم وظایف زن و مرد در کلام رسول خدا(ص)

روزی یک زن زرنگ به محضر رسول خدا(ص) رسید و عرض کرد: من پیغمبی از سوی همه زنان عالم و حتی زنان نسل‌های بعدی برای شما دارم و آن این است که چرا اسلام بین زن و مرد تبعیض قائل شده است؟

پیامبر اکرم(ص) با تعجب فرمودند: تبعیضی بین زن و مرد نیست. آن زن تعدای از کارهایی که مختص مردان است را نام برد و گفت: مثلاً زنان نمی‌توانند به عباداتشان برسند یا در جهاد مشارکت کنند. پیامبر اکرم(ص) به او فرمودند: به همه زنان اعلام کن و بگو: «إِنَّ حَسْنَ تَبَعْلٍ إِحْدَاكُنَّ لِرُؤُوسِهِنَّ وَ طَلِيهَا مَرْضَاتِهِنَّ وَاتِّبَاعُهَا مُوَافَقَتُهُ يَعْدِلُ ذَلِكَ كُلُّهُ» [6]

طبق فرمایش آن نبی گرامی، هر زنی که خوب شوهرداری، خانه‌داری، و بچه‌داری کند، خانه او خط مقدم جبهه می‌شود و ثواب جهاد دارد. خانمی که با انجام وظایف و با مهر و محبت، شوهرش را از دست خود راضی و خشنود نگاه دارد، ثواب کسی که در خط مقدم جبهه و در راه خدا جنگیده است را دارد. همچنین مردی که برای رفاه و آسایش همسر و فرزندان کار کند و با تلاش خود حوائج زندگی را برطرف سازد، در کلام رسول خدا(ص) «ثَوَابُ مُجَاهِدٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» [7]

مردی که برای گذران زندگی خانواده تلاش می‌کند و پس از کار روزانه با خوش‌رویی و تبسم وارد خانه شود و دل همسر خود را به‌دست آورد و محیط خانه را با مهر و محبت خود، با نشاط و گرم کند، ثواب مجاهدت در راه خدا را دارد. در مقابل، مردان یا زنان تندخو، خشن و ترش‌رو یا فرزندان بد اخلاق و کج خلق که حرف پدر و مادر را نمی‌شنود و آن‌ها را آزار می‌دهد، بسیار گناهکار هستند و در دنیا و آخرت، عاقبت سخت و پر مشقتی دارند.

عاقبت تندخویی در خانه

یکی از اصحاب خاص پیامبر اکرم(ص) از دنیا رفت پیامبر گرامی در تشییع و در کفن و دفن او شرکت کردند و فرمودند: ملائکه الهی نیز برای تشییع او به زمین نازل شدند. هنگامی که پیامبر اکرم(ص) با دست مبارک خود، لحد او را بستند و خاک روی او ریختند، فرمودند: قبر چنان فشاری به او داد که استخوان‌های سینه‌اش در هم شکست و زیر منگنه الهی له شد. افراد حاضر گفتند: یا رسول الله او آدم خوبی بود، اهل جبهه و جهاد و مقید به ظواهر شرع بود و از لحاظ اعتقادی هم با ایمان بود! پیامبر اکرم(ص) فرمود: بله، او اهل بهشت است، اما در اثر تندخویی در خانه ناچار است فشار قبر را تحمل کند. [8]

فشار قبر در اثر تندخویی و سردی در خانه، مختص مرد نیست؛ بلکه زن هم اگر در خانه کج خلق باشد و محیط خانه را با نق‌زدن و توقعات بی‌جا سرد کند و آرامش اهل خانه را با دیدن نواقص و کاستی‌ها و ندیدن فضائل و نعمت‌ها، به ناراحتی و ناآرامی مبدل سازد، باید منتظر فشار قبر باشد.

رفاقت و دلسوزی، عامل موفقیت در خانواده

زن و شوهر موفق، کسانی هستند که علاوه بر روابط زوجیت، دو رفیق دلسوز و با محبت برای همدیگر می‌باشند. علاوه بر آن، آن‌ها باید با فرزندان خود هم رفیق باشند و رابطه عاطفی و همراه با دلسوزی و مهربانی داشته باشند.

رفتار پدر و مادر با فرزندان باید به قدری صمیمی باشد که اگر آن‌ها مشکلی داشتند، قبل از هر کس دیگری، آن مشکل را با پدر و مادر خود در میان بگذارد و با آن‌ها درد و دل کنند. این نحوه رفتار و این میزان رفاقت و دلسوزی، علاوه بر اینکه موجب سلامت محیط خانواده می‌شود و معضلات و گرفتاری‌های اهل خانه را بر طرف می‌سازد، ثواب و ارزش معنوی فراوانی هم دارد.

امام باقر(ع) فرمودند: خانمی که خانه را گرم کند و مردی که به همسر و فرزندان خود خدمت نماید، ثواب هفت حج و عمره در نامه عمل او نوشته می‌شود.

عزیمت به خانه خدا و به جا آوردن عمره مفرده و طواف بیت الله الحرام، آرزوی همه مسلمانان است و می‌توان گفت: کسی نیست که مشتاق چنین عبادتی نباشد، اما امام باقر(ع) می‌فرمایند: همه می‌توانند با ایجاد محبت و صمیمیت در خانه، مکه را به خانه خود بیاورند و نه تنها یک عمره، بلکه هفت حج و عمره به جا آورند.

این ثواب‌ها استحقاقی نیست، بلکه تفضلی است و به قول استاد بزرگوار ما حضرت امام خمینی «؛ قدس سره، اهل بیت «؛ س» با وضع چنین ثواب‌هایی شگفت‌انگیزی، دانه می‌ریزند تا کبوتر جمع کنند؛ یعنی مثلاً برای اینکه خانه مسلمان گرم و با محبت و سرشار از عطوفت باشد، چنین ثوابی برای آن وضع شده است.

توافق اخلاقی در اثر عفو و گذشت

همان‌طور که بیان شد، محبت بین اعضای خانواده، آن خانواده را سالم و پا بر جا نگاه می‌دارد. اما باید دانست که محبت نیز وابسته به توافق اخلاقی بین اعضای خانواده است و تا وقتی زن و شوهر نسبت به همدیگر و فرزندان و نیز فرزندان نسبت به پدر و مادر، تفاهم و توافق اخلاقی نداشته باشند و یکرنگی و یکپارچگی بین آن‌ها حاکم نباشد، نمی‌توانند به یکدیگر اظهار محبت و مودت کنند.

مسلم است که توافق اخلاقی و تفاهم کامل و صددرصد بین هیچ دو نفری، حتی زن و شوهر یا پدر و مادر و فرزندان، ممکن نیست. در تاریخ بشریت، تنها امیرالمؤمنین «؛ س» و حضرت زهرا «؛ س» توافق و هماهنگی صددرصد داشته‌اند و آن هم به این سبب است که آن دو بزرگوار نور واحد بوده‌اند، وگرنه چنین تفاهم و توافقی برای سایرین غیرممکن است؛ پس چه باید کرد؟

اگر اعضای یک خانواده هفتاد درصد توافق اخلاقی داشته باشند، آن خانواده نمونه است، اما همان خانواده نمونه هم، سی درصد اختلاف دارد که ممکن است منجر به تشدید اختلاف و فروپاشی خانواده شود. قرآن کریم راهکار رفع اختلاف طبیعی که خانواده‌ها و به خصوص زن و شوهر، ناگزیر از آن هستند را چنین بیان می‌فرماید: «؛ وَ إِنْ تَعَفَّوْا وَ تَصْفَحُوا وَ تَعْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ [9]

راهکار راهگشای قرآن کریم، چاره جویی با عفو، گذشت، ندیده گرفتن عیوب و کوتاه آمدن، هنگام مواجهه با نواقص و کاستی‌هاست. در واقع، قرآن کریم، با دستور سازنده خود، سی درصد اختلاف باقی‌مانده بین زن و شوهر را می‌پوشاند و اثری از آن باقی نمی‌گذارد.

البته باید توجه داشت که گذشت، ایثار و فداکاری، باید دوطرفه باشد و در اختلافات، به خصوص اختلافات خانوادگی، هر کدام از طرفین که دیگری را نبخشد، با غضب خداوند مواجه خواهد شد. حتی اگر طرف مقابل صد در صد مقصر و خطا و اشتباه او محرز باشد، دیگری وظیفه دارد با گذشت، ایثار و فداکاری قضیه را حل کند و چنانچه طرفین به این دستور قرآنی عمل کنند، هیچ‌گاه اختلاف و نزاع رخ نخواهد داد. مثلاً اگر فرزند کسی بسیار ظالم است و موجب آزار و اذیت پدر و مادر می‌شود، چنانچه نتواند وی را ببخشد و او را عاق کنند، آن فرزند به واسطه عاق و نارضایتی پدر و مادر عذاب می‌شود، ولی آن پدر و مادر هم به سبب عاق فرزند، از غضب الهی در امان نخواهند بود.

تأثیر سازنده صبر در تعالی خانواده

نکته‌ای که اکنون مورد بحث است، اینکه عفو، گذشت، بخشش و ندیده گرفتن بدی‌های طرف مقابل، به طرز عجیبی محتاج صبر و شکیبایی است؛ یعنی تا وقتی زن یا شوهر در خانواده در برابر ناملایمات خانوادگی و در رویارویی با عیوب و اشکالات سایر اعضای خانواده، صبور و شکیبا نباشد، نمی‌تواند به دستور سازنده قرآن کریم عمل کند و در نتیجه از حاکمیت توافق اخلاقی در زندگی خود محروم می‌گردد که حاصل آن کمبود مهر و محبت و صمیمیت در خانواده است.

بر اساس دستور قرآن کریم، هرگاه زن و شوهر خطا، اشتباه یا بدی از همدیگر دیدند، در وهله اول باید همدیگر را ببخشند، ولی قرآن کریم این بخشش و گذشت را کافی نمی‌داند و توصیه می‌فرماید که اساساً باید اشتباه یا بدی یکدیگر را نادیده بگیرند، به روی همدیگر نیاورند و علاوه بر اینکه به دل نمی‌گیرند، طوری رفتار کنند که گویی اتفاقی نیفتاده است.

رتبه بالاتر عفو و گذشت که قرآن کریم در آیه دیگری بیان می‌فرماید، این است که اگر یکی از اعضای خانواده رفتار ناشایستی داشت، سایر اعضا نه تنها او را ببخشند و خطای او را نادیده بگیرند، بلکه به او نیکی کنند: «؛ وَ يَذَرُونِ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ [10]

انصافاً عمل به این دستورات قرآن کریم، صبر و استقامت می‌خواهد، اما این صبر و شکیبایی در خانواده، نتیجه بسیار شیرینی دارد و منجر به گرمی و ازدیاد محبت در خانواده و سلامت اخلاقی و روانی اعضای خانواده خواهد شد.

کینه‌توزی و به دل گرفتن و به‌خصوص به رخ کشیدن رفتارهای ناپسند اعضای خانواده بسیار مذموم است و در تعالیم اسلامی نکوهش شده است. در روایات می‌خوانیم که انسان کینه‌توز، به صورت شتر محشور می‌شود و معلوم است که تجسم عمل کینه‌توزی، این است که افراد کینه‌توز به شکل شتر وارد محشر شوند.

قرآن کریم می‌فرماید: علاوه بر پرهیز از کینه‌توزی و به رخ کشیدن کردار ناپسند دیگران، باید به آن‌ها نیکی کنید، یعنی مثلاً اگر پدر و مادر از پسر یا دختر خود رفتار زشتی مشاهده کردند، باید با بزرگواری از او بگذرند و با احسان و نیکویی به او، وی را شرم‌نده کنند تا دست از رفتار زشت خود بردارد، اما دلگیر شدن و کینه‌توزی پدر و مادر نسبت به فرزند یا بالعکس، عاقبت سخت و شکننده‌ای در قیامت دارد.

همچنین اگر بین زن و شوهر در خانه نزاعی در گرفت و در اثر آن مرد از خانه بیرون رفت، حتماً باید موقع بازگشت، هدیه‌ای برای همسرش تهیه کند و ناراحتی قبلی را از دل او خارج سازد. زن نیز وظیفه دارد با رفتار نیکویی خود نسبت به شوهر و با زینت خود و خانه، مهیای شوهر داری شود و هنگام بازگشت شوهر به خانه، به استقبال او برود و هدیه‌ای به او تقدیم کند.

این رفتار نیکو، از صبر و استقامت دوطرفه و دوجانبه ناشی می‌شود، ولی باید دانست که چنین خانه‌ای نورانی است و پروردگار عالم علاوه بر آنکه از آن خانه و اعضای آن راضی است، فرزندان صالح و شایسته به آن زن و مرد عطا می‌فرماید و در قیامت هم آنان را از حساب و کتاب و مؤاخذه عقاب برزخ و جهنم، معاف می‌فرماید؛ زیرا در آیه دیگری می‌فرماید: «وَلْيَعْقُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِثُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ[11]

یعنی همدیگر را ببخشید و گناه همدیگر را ندیده بگیرید تا خداوند نیز غفران و رحمت خود را شامل حال شما کند و از حساب و کتاب قیامت و از عذاب جهنم در امان باشید.

رسم زندگی از منظر اسلام

قرآن کریم، رسم زندگی را برای بشریت به خوبی ترسیم فرموده است، اما متأسفانه بسیاری از افراد از دستورات روح‌بخش خداوند متعال در قرآن کریم فاصله گرفته‌اند و رسم و شیوه زندگی غربی را برگزیده‌اند که حاصلی جز رواج بی‌عفتی در زنان و بی‌غیرتی در مردان ندارد. این شیوه زندگی به نظام خانواده ضربات مهلکی وارد می‌سازد و زندگی را دشوار و بی‌معنا می‌کند.

خانواده سالم و نمونه، از منظر قرآن کریم، خانواده‌ای است که افراد آن از سکونت و آرامش کافی برخوردار باشند و در کنار همدیگر با خوش‌بختی و همراه با مهر و محبت زندگی کنند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً[12]

آنچه باید به آن توجه شود این است که سلامت خانواده، مرهون صبر، استقامت، ایثار، گذشت و فداکاری است و بر خلاف تصوّر غالب در اجتماع، خانواده، با ثروت، ریاست و جاه و مقام مرد و یا با حضور بی‌نتیجه و اجباری زن در اجتماع، به سلامت مطلوب دست نمی‌یابد، بلکه خانواده سالم خانواده‌ای است که رسم زندگی اسلامی را برگزیند و از دستورات روح‌بخش قرآن کریم متابعت و از سیره عملی اهل بیت «س پیروی نماید.

پی‌نوشت‌ها:

=====

1. نساء / 34

2. ماعون / 2-1

3. بقره / 256

4. روم / 21

5. لقمان / 13

6. الدر المنثور في تفسیر المأثور، ج 2، ص 153

7. الکافی، ج 5، ص 88

8. امالي الصدوق، ص 358

9. تغابن / 14

10. 22 رعد

11. نور / 22

12. روم / 21